ادق بودن آسیدعلی شوشتری از شیخ اعظم در کلام آخوند خراسانی

(33:37)

آقای آخوند فرمودند نزد آسید علی رفتیم تا درس استاد را ادامه بدهند. این جمله خیلی است! گفتند وقتی ایشان درس را ادامه دادند دیدیم ادقّ است! جمله خیلی مهمی است، آن هم از آخوند.

شاگرد: آخوند خیلی زیاد به درس شیخ نرفته بودند. شاید یکی-دو سال بود.

استاد: بله، شاید کمتر. حاج آقا قضیه‌ای را هم نقل می‌کردند؛ چه عجائبی! آخوند طوری شد که عبایشان کنار رفت و شیخ از بالای منبر دیدند که ایشان پیراهن نپوشیده اند. فقط عبا دارند. بر ایشان معلوم شد که مرحوم آخوند در شدت فقر هستند. حاج آقا که این چیزها را می‌گفتند، می‌گفتند ما این‌ها را می‌گوییم تا ببینیم چه خبر بوده؛ لا اقل ما از حرام قطعی صرفنظر کنیم. حاج آقا زیاد می‌گفتند. می‌گفتند من این‌ها را نمی‌گویم تا عمل کنیم، برای این می‌گویم که از حرام قطعی صرفنظر کنیم. بعد شیخ ناراحت می‌شوند و می‌گویند شما چرا به من نگفته بودید؟! خودشان را با عبایی می‌گرفتند، معلوم نیست چطور شده بود که شیخ از بالای منبر متوجه شده بودند.

شاگرد: آخوند چه پاسخی به شیخ داد؟

استاد: حاج آقا نگفتند. تازه آمده بودند؛ اوضاعی می‌شود که کسی خبر ندارد. آن‌ها هم که به‌شدت متحفظ و متعفف هستند!

بازبینی #1
ایجاد شده 5 فوریه 2026 10:54:01 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2026 10:54:24 توسط ... .